

نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل

الهام امین زاده^۱

ناصر خداپرست^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۱/۰۲)

چکیده

شورای اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، در راستای تشدید تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفت تحریمهای اقتصادی بیشتری در بخش انرژی از جمله تحریم واردات نفت خام از ایران در کشورهای عضو اتحادیه، در بخش مالی علیه بانک مرکزی ایران و هم چنین علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وضع کند. در این میان تحریم واردات نفت خام از اهمیت بیشتری برخوردار است که لازم است، در کنار مباحث و مناقشات سیاسی و اقتصادی جاری پیرامون این تحریم نفتی، مشروعیت آن از منظر حقوق بین الملل نیز مورد بررسی قرار گیرد. آیا تحریم نفت اتحادیه اروپا، در راستای تحریمهای شورای امنیت علیه ایران می باشد؟ کشورها و سازمانهای بین المللی تا چه حد در تفسیر و اجرای قطعنامه های شورای امنیت صلاحیت دارند؟ هدف از این پژوهش این است که اقدام اتحادیه اروپا در خصوص تحریم نفت ایران و مشروعیت آن، از طریق تفسیر قطعنامه های شورای امنیت، اصول منشور ملل متحد و نیز مقررات اتحادیه اروپا مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، تحریم نفت، شورای امنیت، اقدامات متقابل، حقوق بین الملل.

۱- نویسنده مسئول- دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Email: eaminzadeh@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مقدمه

از جمله اقداماتی که اتحادیه اروپا، به کرات در سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار می‌دهد، تحریم‌های اقتصادی می‌باشند. اتحادیه اروپا از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار، جهت تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف بهره می‌گیرد (Eeckhout, 2011, pp.501-502).

این اتحادیه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، تحریم‌های اقتصادی متعددی علیه کشورهای مختلف از جمله بلاروس، جمهوری دمکراتیک کنگو، ساحل عاج، هائیتی، برمه، سودان، زیمبابوه، لیبی، سوریه و ایران وضع نموده است. مورد اخیر این تحریم‌های اقتصادی، قطعنامه ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا، علیه ایران و تحریم خرید نفت از این کشور می‌باشد.^۱ برخی از نکات مهم این قطعنامه عبارتند از: «ممنوعیت واردات نفت خام از ایران، تحریم پوشش‌های بیمه ای و منابع مالی مربوط به واردات نفت خام، تحریم پتروشیمی و سرمایه گذاری در این حوزه، تحریم بانک مرکزی شامل انسداد دارائیه‌های بانک مرکزی در قلمرو دولت‌های اتحادیه، تجارت فلزات گران بها با نهادهای دولتی ایران، تحریم کالاهای حساس و با کاربرد دوگانه و در نهایت گسترش فهرست تحریم افراد نسبت به قطعنامه های گذشته» (Council Regulation (EU) No 267/2012, 2012, para.2).

قریب به یک دهه می‌باشد که علاوه بر تلاش‌های چند جانبه بین‌المللی برای جلوگیری از فعالیتهای هسته ای ایران، اتحادیه اروپا، تحریم‌های اقتصادی یک جانبه ای علیه این کشور در واکنش به عدم اطاعت مستمر از تعهدات هسته ای خود، اتخاذ نموده است. برخی از تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا به موازات قطعنامه های شورای امنیت و برخی دیگر نیز فراتر از این قطعنامه ها و به طور نامشروع صورت گرفته اند (Calamita, 2009, p.1397). سو استفاده برخی دولتها و به ویژه سازمانهای بین‌المللی در برقراری تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای مستقل، فراتر و یا خارج از چارچوب منشور سازمان ملل متحد و

1-Council Regulation (EU) No 267/2012 of 23 March 2012 concerning restrictive measures against Iran and repealing Regulation (EU) No 961/2010 (O.J. L 88/1, 24.3.2012).

نیز تفسیر موسع از قطعنامه های شورای امنیت، موضوعی است که به دلایل مختلف، مورد نگرانی حقوقدانان بین المللی بوده است (Burdeau 2001, p. 267).

لذا در وهله اول این امر بایستی مورد بررسی قرار گیرد که کشورها و سازمانهای بین المللی تا چه حد در تفسیر و اجرای قطعنامه های شورای امنیت صلاحیت دارند؟ آیا حتی به هنگامی که شورای امنیت اقداماتی را تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد علیه یک دولت اعمال می نماید، سایر دولتها و سازمانهای بین المللی نیز می توانند اقدامات متقابلی علیه دولت هدف انجام دهند؟ هدف از این پژوهش این است که مشروعیت اقدام اتحادیه اروپا در تحریم خرید نفت از ایران، از دو منظر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در گفتار اول به بررسی مشروعیت اقدام اتحادیه اروپا از منظر قواعد عام حقوق بین الملل پرداخته خواهد شد و در گفتار دوم، اقدام اتحادیه اروپا بر اساس قواعد خود این اتحادیه، به عنوان قواعد خاص حقوق بین الملل (lex specialis) مورد بررسی قرار می گیرند.

گفتار اول - بررسی مشروعیت اقدام اتحادیه اروپا از منظر قواعد عام حقوق بین الملل

با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت، این نهاد تاکنون قطعنامه های متعددی علیه ایران تصویب کرده است که عبارتند از قطعنامه های ۱۷۴۷، ۱۷۳۷، ۱۶۹۶ و ۱۹۲۹. این قطعنامه ها بر اساس فصل ۷ منشور صادر شده و تحریمهای اقتصادی مختلفی به طور هوشمند علیه افراد و نهادهایی که در ارتباط با برنامه هسته ای ایران می باشند، اعمال نموده است (Burdeau 2001, p. 267).^۱ آمریکا و انگلیس تلاش بسیاری نمودند تا بتوانند تحریمهای گسترده دیگری علیه نهادهای تجاری ایران به خصوص در حوزه نفت و گاز در شورای امنیت به تصویب برسانند، اما چون برخی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت از قبیل چین مراودات تجاری بسیاری با ایران در حوزه انرژی دارد، با اعمال این نوع از تحریم

1 - S.C. Res. 1803, para.19; S.C. Res. 1747, para13; S.C. Res. 1737, para.6-24. S.C. Res. 1929, para.11-12.

مخالفت نمودند. از این رو این کشورها تصمیم گرفتند تا با فشار بر اتحادیه اروپا، این سازمان بین‌المللی را مجبور نمایند، تا علیه ایران تحریم انرژی و به خصوص تحریم خرید نفت اعمال نماید. اتحادیه اروپا تحریم خرید نفت از ایران را در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت عنوان نموده و به مقدمه این قطعنامه، به عنوان مبنای حقوقی تحریم خود استناد کرده است (Dupont, 2012, p.18).

مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ بیان می‌دارد که: «میان درآمدهای مالی به دست آمده از بخش انرژی ایران با فعالیتهای هسته‌ای این کشور ارتباط بالقوه وجود دارد» (UN.S.Res, 1929, p.3). از این رو این اتحادیه بیان نمود که چون ایران تاکنون به تعهدات هسته‌ای خود عمل نکرده و بر طبق مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹، میان درآمدهای نفتی این کشور و فعالیتهای هسته‌ای ارتباط بالقوه وجود دارد، ایران بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، متحمل مسئولیت بین‌المللی می‌باشد، لذا بایستی علیه این کشور اقدام متقابل انجام داد. از این رو این اتحادیه خرید نفت از ایران را به عنوان یک اقدام متقابل مورد تحریم قرار داد (Dupont, op.cit, pp.18-21). این اقدام اتحادیه اروپا مغایر قطعنامه‌های شورای امنیت و برخی از قواعد عام حقوق بین‌الملل می‌باشند که به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند اول - اقدام اتحادیه اروپا و نقض قطعنامه‌های شورای امنیت

در قطعنامه‌های ۱۷۴۷، ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹، تجارت با ایران تنها در مواد، تجهیزات، کالاها و تکنولوژی‌هایی که می‌توانند به غنی‌سازی اورانیوم کمک کنند، ممنوع شده است. از طرف دیگر در این قطعنامه‌ها تنها از کشورها می‌خواهد تا اموال و داراییهای نهادهای مشخص و نیز افرادی را که در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران می‌باشند را مسدود کنند (Calamita, op.cit, p.1404). این بدان معناست که تحریمهای شورای امنیت علیه ایران تحریم هوشمند می‌باشد و تحریمهای موجود در قطعنامه‌های شورای امنیت، به

طور گسترده و جامع، فعالیتهای تجاری با ایران، به خصوص خرید نفت از این کشور را مورد هدف قرار نداده است و به هیچ وجه در متن اصلی قطعنامه های شورای امنیت از تحریم خرید نفت صحبتی به میان نیامده و کشورها را ملزم به تحریم خرید نفت از این کشور نکرده است (Dupont, op.cit.p.18).

نماینده روسیه نیز در شورای امنیت به هنگام رای گیری قطعنامه ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶، بر این نظر صحه گذاشت و بیان نمود که «تحریمهایی که علیه ایران در قطعنامه های شورای امنیت اعمال می شوند، تنها در ارتباط با حوزه هایی می باشد که دلیل نگرانی و دغدغه آژانس بین المللی انرژی اتمی می باشد. لذا ما بر این نظر و عقیده هستیم که تجارت با ایران در حوزه هایی که توسط قطعنامه ها مورد تحریم قرار نگرفته است، نایستی مورد تحریم قرار گیرند» (U.N. Doc, 2006, p.2).

به طور حتم تعهد اعضای شورای امنیت، با توجه به مباحثات و نظراتی که برخی از اعضا قبل از تصویب قطعنامه های شورای امنیت ارائه کردند به این نبوده است که تحریم جامع اقتصادی برای کشورهایی که ارتباط اقتصادی و تجاری با ایران دارند، قرار دهند و خود قطعنامه های شورای امنیت نیز به چنین امری تصریح نکرده است. هدف از وضع تحریمها، تحریمهای هوشمند می باشند و شورای امنیت تحریم جامع اقتصادی در ارتباط خود با ایران وضع نکرده است. در نتیجه، هم دولت ایران و هم سایر کشورها و اتباع آنها جهت برقراری روابط تجاری با ایران آزاد می باشند (Calamita.op.cit., p.14).

از طرف دیگر اتحادیه اروپا به هیچ وجه نمی تواند مبنای حقوقی تحریم خرید نفت از ایران را مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت بداند، زیرا در مقدمه این قطعنامه نیز به هیچ وجه به طور صریح به تحریم خرید نفت از ایران اشاره نشده است (Ibid, pp.18-19). از طرف دیگر اعتبار و آثار حقوقی مقدمه قطعنامه های شورای امنیت، متفاوت از متن قطعنامه هاست و فاقد قدرت الزام آور می باشند (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶).

مقدمه قطعنامه های شورای امنیت تنها عنصری برای تفسیر قطعنامه ها مورد استفاده قرار می گیرد و متضمن تصمیم الزام آور برای اعضای جامعه بین المللی نمی باشد، بلکه تصمیمات الزام آور شورای امنیت نسبت به اعضای جامعه بین المللی تنها در متن اصلی معاهده و نه مقدمه آن مورد اشاره قرار می گیرند، لذا مبنای حقوقی اقدامات کشورها و سایر اعضای جامعه بین المللی علیه کشور هدف نیز متن اصلی قطعنامه می باشد نه مقدمه آن (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰). در نتیجه مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ مبنای اجازة حقوقی به سایر کشورها از جمله اتحادیه اروپا در تحریم اقتصادی علیه ایران نمی دهد، در نتیجه این اقدام اتحادیه اروپا تفسیر موسع و غیر قانونی از مقدمه این قطعنامه می باشد.

در نتیجه اتحادیه اروپا از قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران تفسیر صحیحی به عمل نیاورده است. دلیل تفسیر موسع دول غربی از قطعنامه های شورای امنیت نظریه «تفسیر مؤثر قطعنامه های شورای امنیت برای رسیدن به هدف غایی آنها» از سوی این دولتها می باشد. این نظریه این است که برای دست یابی به هدف غایی قطعنامه های شورای امنیت که همانا حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشند، بهتر این است که این قطعنامه ها به شکلی بهتر و متفاوت تر از معاهدات تفسیر شوند، تا از این طریق بهتر به هدف نهایی این قطعنامه ها دست یافت. لذا نظر بر آن است که این قطعنامه ها بایستی به شکل موسعی مورد تفسیر قرار گیرند، تا از این طریق بتوان سریع تر به اهداف غائی این قطعنامه ها نائل شد. از این روش تفسیر، کشورهای غربی و درصدد آن آمریکا و اتحادیه اروپا حمایت می کنند، زیرا با تفسیر موسع از این قطعنامه ها مقاصد سیاسی آنها بهتر تأمین خواهد شد (Wolff, 2008, p.2).

نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز در نامه خود به کمیته تحریم در ماه می ۲۰۰۸ در ارتباط با قطعنامه ۱۸۰۳، از تمامی کشورها خواست تا اقداماتی اضافه و مکمل آنچه که صریحاً در قطعنامه ۱۸۰۳ آمده است جهت دستیابی جامعه بین المللی به هدف نهایی خود که ایجاد تغییر در سیاست هسته ای و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می باشد، انجام

دهند (Ibid). سؤال این است که تفسیر قطعنامه های شورای امنیت بایستی به چه شکل باشد؟ آیا این نظریه «تفسیر مؤثر و موسع» صحیح می باشد؟

پاسخ منفی است، زیرا هر چند از لحاظ شکل، معاهده و قطعنامه همانند هم نیستند، اما هیچ گونه دلیلی وجود ندارد تا هدف از اجرای تفسیر معاهدات و قطعنامه های شورای امنیت نیز متفاوت از هم باشد. هدف از تفسیر معاهدات و قطعنامه های شورای امنیت یکسان است و در کنوانسیون وین حقوق معاهدات بدان اشاره شده است. بند ۱ ماده ۳۱ کنواسیون وین مقرر می دارد «یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی ای که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد» (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969, art. 31(1)).

حقوقدانان بین المللی نیز بر این عقیده هستند که قطعنامه های شورای امنیت نیز بایستی همانند معاهده با حسن نیت و مطابق با معنای معمولی و عادی آن، همان گونه که در ماده ۳۱ معاهده وین مقرر شده است، تفسیر شود (Jochen, 2004, p. 148). لذا در هدف تفسیر معاهدات و قطعنامه های شورای امنیت هیچ گونه تفاوتی مطرح نیست و بایستی قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران با حسن نیت و منصفانه مورد تفسیر قرار گیرند.

اتحادیه اروپا در تفسیر قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و به خصوص مقدمه آن، اصل حسن نیت و اصل انصاف که از اصول کلی حقوق بین الملل معاهدات محسوب می شوند را رعایت ننموده است و به طور موسع و خارج از موضوع و هدف این قطعنامه و بر خلاف اصل حسن نیت، خرید نفت از ایران را که به هیچ وجه مقصود شورای امنیت نبوده است را مورد تحریم قرار داده است. کشورها و سایر اعضای جامعه بین المللی این اختیار را ندارند تا خود به طور یک جانبه قطعنامه های شورای امنیت را جهت اجرای آن مورد تفسیر قرار دهند. به رسمیت شناختن چنین اختیار بزرگی برای اعضای جامعه بین المللی جهت تفسیر خودسرانه و یکجانبه مفاد قطعنامه های شورای امنیت، که بر اساس فصل هفت منشور تحریمهایی را علیه یک دولت تحمیل نموده اند، هیچ گونه حمایتی در منشور ملل متحد

نداشته و بر خلاف مقررات منشور می باشند و این اختیارات غیر قانونی خطر تحریف فصل هفت منشور را به همراه خواهد داشت (Sicilianos, 2010, p. 1141).

از طرف دیگر کشورهای غربی بر این نظر هستند که عبارات قطعنامه های شورای امنیت واضح و روشن نیست و دارای ابهامات بسیاری می باشد و این باعث می شود که شورا به اهداف سیاسی خود نرسیده و شکست بخورد، لذا این توجیه وجود دارد تا یک روش تفسیری مؤثر و موسع برای اجرای قطعنامه های شورای امنیت در پیش گرفت (Calamita, op.cit, p.1413).

در پاسخ به این نظر بایستی اظهار داشت که اساساً تصمیمات شورای امنیت با موافقت ۹ عضو از پانزده عضو، بدون وتوی اعضای دایم آن صورت می گیرد، بنابراین حداقل برای تصویب یک قطعنامه، موافقت سیاسی پنج عضو دایم شورای امنیت نیاز است. چگونه خود این کشورها موافقت سیاسی خود را با یک قطعنامه اعلام نموده و قطعنامه ای به تصویب می رسانند و تحریمهایی را علیه کشور هدف تحمیل می کنند، سپس مدعی عدم حصول قطعنامه به اهداف سیاسی خود می شوند و بر این نظر هستند که برای زدودن این ابهامات و رسیدن قطعنامه به هدف غایی خود، بایستی آن را به روشی مؤثر و موسع مورد تفسیر قرار داد. چرا این کشورها نمی توانند به هنگام تصویب این قطعنامه ها اهداف غایی آنها را مورد تصریح قرار دهند. چرا بایستی پس از تصویب قطعنامه به ابهامات آن پی برده و سپس بدون ارجاع دوباره قضیه به شورای امنیت، خود آنها آن را مورد تفسیر یکجانبه و موسع قرارداده و باعث به وجود آمدن انتقادات فراوانی در سطح جامعه بین المللی شده و موجب صدمه و آسیب به اعتبار حقوق بین الملل شوند. این عمل یکجانبه کشورها و سازمانهای بین المللی چیزی جز بی احترامی به خود نهاد شورای امنیت و نیز اعضای جامعه بین المللی و از همه مهم تر کشوری که مورد هدف این تحریمها قرار گرفته است، نمی باشد. لذا بدین دلایل بهتر آن است که دیدگاهی محتاطانه و محدود در خصوص حل و فصل ابهامات ایجاد شده از قطعنامه های شورای امنیت داشت، زیرا این روش باعث

می شود که نسبت به آن مواردی که در داخل قطعنامه نیامده و یا مبهم می باشد، تفسیر موسع صورت نگیرد (Sicilianos, op.cit, p. 1142).

حقوقدانان بین المللی نیز این نظریه را مورد انتقاد قرار داده و جهت تفسیر قطعنامه های شورای امنیت، اصل تفسیر محدود و مضیق را ارائه می کنند. این دسته از حقوقدانان عقیده دارند که ابهامات موجود در این قطعنامه ها بایستی به شکل مضیق و محدود و با حسن نیت تفسیر شوند و بایستی این تفسیر محدودیتهایی بر حاکمیت کشور مورد هدف تحریم ایجاد نماید (Jochen, op.cit.p.149). رویه قضائی بین المللی نیز از تفسیر مضیق و محدود حمایت می کند. دیوان دایمی بین المللی دادگستری در قضیه ماورو ماتیس در سال ۱۹۲۴ این گونه رأی داد که «در صورتی که دو تفسیر به طور یکسانی وجود داشته باشد بایستی آن تفسیری که مضیق تر و محدودتر باشد را بایستی برگزید» (P.C.I.J. 1924,p. 19).

لذا بایستی ابهامات این اسناد بین المللی نیز به نحوی مضیق مورد تفسیر قرار گیرند و از هدف ماده ۳۱ در خصوص تفسیر معاهدات خارج نشوند و به طور عادلانه و با حسن نیت صورت گیرند.

بند دوم- اقدام اتحادیه اروپا و نقض اصول منشور ملل متحد

۱- نقض ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد

با استناد به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تعهدات ناشی از اقداماتی که بر طبق این منشور صورت می گیرند نسبت به تعهدات ناشی از موافقت نامه هایی که میان کشورها منعقد می شوند، مقدم و برتر می باشند. با استناد به این ماده، اقدام اتحادیه اروپا علیه ایران غیر قانونی می باشد، زیرا قطعنامه های تحریمی علیه ایران، این اختیار را تنها به شورای امنیت و کمیته تحریم ایران می دهد تا افراد و موضوعات جدید دیگری علاوه بر آن چه تاکنون در قطعنامه ذکر شده است، مشمول این تحریمها قرار دهند. در این قطعنامه ها هیچ گونه عبارتی در خصوص این که کشورهای عضو ملل متحد و سایر سازمانهای بین المللی اختیار

این را داشته باشند تا خود، این افراد و نهادها و موضوعات جدید و اضافی را مشخص و معین کنند، وجود ندارد. لذا کشورها و سازمانهای بین المللی از لحاظ قانونی این اختیار را ندارند تا قلمرو این تحریمها را گسترش دهند (Calamita, op.cit, p.1406). اتحادیه اروپا با تحریم خرید نفت از ایران و نیز مسدود کردن اموال و دارایی های افراد و نهادهایی که در قطعنامه های شورای امنیت و کمیته تحریم به هیچ وجه معین نشده است، در نقض ماده ۱۰۳ عمل نموده و برخلاف قطعنامه های شورای امنیت و فراتر از آن برای خود اختیار قائل شده و علیه ایران تحریم اقتصادی اعمال نموده است.

۲- نقض مواد ۲۴ و ۲۵ منشور ملل متحد

دولتهای غربی که خود عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی می باشند، با رأی خود در شورای حکام، پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داده اند و بر اساس بند یک ماده ۲۴ منشور، اختیاراتی را به شورای امنیت تفویض کرده اند تا از طرف آنها و به نیابت از آن دولتها، علیه دولت متخلف و در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی اقدام نماید. شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه های متعددی خود را وارد قضیه کرده و اقداماتی را علیه ایران اعمال نموده است. بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد کلیه اعضای جامعه بین المللی از جمله اتحادیه اروپا، ملزم به اجرای قطعنامه های شورای امنیت می باشند (Dupont, op.cit, p.3). به عبارتی دیگر، بر اساس منشور سازمان ملل متحد، تنها این شورای امنیت است که اختیار این را دارد تا کمیت و کیفیت ارزش و منافع جامعه بین المللی در یک قضیه خاص مثل پرونده هسته ای ایران را تعیین نماید. به چه دلیل اتحادیه اروپا به خود اجازه داده است تا در امور و اختیارات شورای امنیت مداخله نموده و اقداماتی را فراتر از قطعنامه های شورای امنیت انجام دهد؟ اختیار اتحادیه اروپا در گسترش نهادها و موضوعات اضافی مورد تحریم قطعنامه های شورای امنیت، غیر مجاز و برخلاف مقررات منشور بوده و بی احترامی به خود شورای امنیت می باشد (Ibid).

۳- نقض ماده ۵۳ منشور ملل متحد

بند ۱ ماده ۵۳ منشور ملل متحد مقرر می دارد «شورای امنیت در موارد مقتضی از سازمانهای منطقه ای برای انجام عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچ گونه عملیات اجرایی توسط سازمانهای منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت». در ارتباط با تحریم خرید نفت از ایران، اتحادیه اروپا این ماده را نیز نقض کرده است. تحریمهای اقتصادی اتحادیه اروپا نوعی «اقدام اجرایی» (Enforcement action) محسوب شده و نیاز به تجویز شورای امنیت بر اساس بند ۱ ماده ۵۳ را دارند (Ibid, p.20).

هرگاه یک سازمان منطقه ای تحریمهای اقتصادی را براساس مقررات خود علیه یک دولت عضو آن سازمان اعمال نماید نیازی به مجوز رسمی شورای امنیت نیست. اما هنگامی که همان سازمان منطقه ای تحریمهای اقتصادی اضافه ای را علیه کشورهای ثالث که خود شورای امنیت درگیر موضوع آن کشور می باشند اعمال نماید، بایستی مبنایی از لحاظ حقوقی بر اساس حقوق بین الملل که همان مجوز شورای امنیت می باشد، برای این عمل خود داشته باشد و تنها شورای امنیت است که بایستی مجوز این تحریمها را صادر نماید (Abass, 2004, pp.46-52). تحریم نفت اتحادیه اروپا، بدون مجوز شورای امنیت و فراتر از قطعنامه های این شورا، نقض فاحش ماده ۵۳ منشور به شمار می آید.

بند سوم- اقدام اتحادیه اروپا و نقض ماده ۵۹ طرح مسئولیت دولت

همانگونه که پیشتر بدان اشاره شد اتحادیه اروپا بیان داشت که چون ایران تاکنون به تعهدات هسته ای خود عمل نکرده و بر طبق مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹، میان درآمدهای نفتی این کشور و فعالیت های هسته ای ارتباط بالقوه وجود دارد، ایران بر اساس طرح مسئولیت بین المللی دولت مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل، متحمل مسئولیت بین المللی می باشد، لذا بایستی علیه این کشور اقدام متقابل انجام داد. از این رو این اتحادیه خرید نفت از ایران را به عنوان یک اقدام متقابل مورد تحریم قرار داد. این اقدام اتحادیه اروپا

نقض اصول منشور ملل متحد و در نتیجه ماده ۵۹ طرح مسئولیت می باشد. ماده ۵۹ طرح مسئولیت دولت مقرر می کند «مواد طرح مسئولیت دولت به مقررات منشور ملل متحد خدشه ای وارد نمی کنند» (DARSIWA, 2001, Art. 59). در تفسیر این ماده کمیسیون حقوق بین الملل بیان می دارد که این مواد در تمامی جنبه ها باید در مطابقت با منشور ملل متحد تفسیر شوند (ILC Yearbook II, 2001, p. 143).

حتی در خلال مذاکرات کمیسیون حقوق بین الملل در خصوص نقش اقدامات متقابل در حقوق مسئولیت دولت ها، آقای آلن پُله حقوقدان شهیر بین المللی این مطلب را بیان نمود که «هنگامی که شورای امنیت تحریمهایی را در واکنش به یک عمل متخلفانه تحت فصل ۷ منشور، علیه یک دولت انجام می دهد، حق سایر اعضای جامعه بین المللی به طور انفرادی نسبت به اعمال اقدام متقابل پایان می پذیرد و انجام این اقدامات براساس حقوق بین الملل غیر مجاز می باشند» (Pellet, 1992, p. 144).

او دلایل خود را مبتنی بر قیاس ماده ۵۱ منشور و اقدامات متقابل قرار داد. ماده ۵۱ منشور تصریح می کند که «به حق دفاع مشروع در واکنش به یک حمله مسلحانه، نایستی تازمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی انجام می دهد آسیب یا خللی وارد شود» (ILC Yearbook I, 1992, pp. 143-145). اقدامات متقابل نیز همانند دفاع مشروع می باشند، و در جایی که شورای امنیت اقداماتی را متعاقب ماده ۴۱ و ۴۲ اتخاذ کرده است، حق انجام اقدام متقابل پایان می پذیرد. از این رو می توان استنتاج کرد که توسل به اقدامات متقابل علیه ایران غیر قانونی می باشد، زیرا به این دلیل که شورای امنیت با صدور قطعنامه های متعددی خود را وارد این قضیه کرده است و اقداماتی را علیه ایران اعمال کرده است، لذا با وجود اقدامات شورای امنیت جایی برای اقدامات متقابل کشورها و سایر سازمانهای بین المللی باقی نمی ماند. این دیدگاه مطابق با روح و مفاد منشور و همچنین مطابق با ماده ۵۹ طرح مسئولیت دولت نیز می باشد.

از سوی دیگر اقدام متقابل در وضعیتی که خود شورای امنیت درگیر قضیه می باشد از سوی یک کشور و سازمان بین المللی، فراتر از اقداماتی که شورای امنیت علیه آن دولت انجام داده است، انسجام و قدرت نظام امنیت دسته جمعی سازمان ملل متحد را تضعیف می نماید و موجب بی اعتباری این سازمان و نهادهای اصلی آن از جمله شورای امنیت خواهد شد. دلیل آن این است که انجام اقدامات متقابل، خارج از چهارچوب سازمان ملل باعث به وجود آمدن یک رویه و بدعت غیر قانونی در ارتباط با اختیارات شورای امنیت خواهد شد. دولت‌ها و سازمانها با انجام این اقدامات عملاً در کار سازمان ملل و شورای امنیت نوعی موازی کاری به وجود می آورند (Sicilianos, op.cit, p. 1138) در نتیجه هرگونه اقدامی که بر خلاف تصمیمات شورای امنیت اتخاذ شده است یا بایستی لغو شوند و یا اینکه مورد جرح و تعدیل قرار گرفته و با تصمیمات شورای امنیت هماهنگ شوند، مگر اینکه شورای امنیت به سایر اعضای جامعه بین المللی اجازه دهد تا اقداماتی فراتر از اقدامات این نهاد انجام دهند که این امر تاکنون در رویه شورای امنیت سابقه نداشته است (Ibid, p.1142).

گفتار دوم- بررسی مشروعیت اقدام اتحادیه اروپا بر اساس قواعد خاص (lex specialis) حقوق بین الملل

اتحادیه اروپا با تحریم خرید نفت از ایران در نقض مقررات خود اتحادیه به عنوان قواعد خاص حقوق بین الملل عمل نموده است. جهت اثبات این موضوع در بند اول، اقدام اتحادیه اروپا بر اساس «معاهده ناظر بر عملکرد اتحادیه اروپا TFEU» و در بند دوم بر اساس «مقررات سیاست و امنیت خارجی مشترک اتحادیه اروپا (CFSP)» مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول- تحریم اتحادیه اروپا و نقض معاهده ناظر بر عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU)

مبنای حقوقی تحریمهای اقتصادی اتحادیه اروپا، ماده ۲۴۷ معاهده ناظر بر عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) می باشد. این ماده مقرر می دارد که «در صورتی که اتحادیه اروپا درصدد کاهش جزئی یا متوقف کردن روابط اقتصادی خود با کشور یا کشورهای ثالث

برآید، شورای اتحادیه بایستی تدابیر لازم و ضروری در این زمینه اتخاذ نماید.^۱ کشورهای عضو اتحادیه نیز ملزم به اجرای تصمیمات شورای اتحادیه اروپا می باشند (Eckout, op, cit, pp.503-504). اما اجرای تحریمهای اقتصادی اتحادیه اروپا بایستی در راستای قطعنامه های شورای امنیت باشد. زیرا این معاهده در مقدمه و ماده ۲۰۸ مقرر می دارد که اتحادیه اروپا متعهد است تا مقررات حقوق بین الملل را رعایت نموده و اصول منشور ملل متحد را مورد احترام قرار داده و به تعهدات خود در چارچوب سازمان ملل عمل نماید (TFEU, Article.208 and 3(5)).

از این رو اتحادیه، در راستای اجرای ماده ۲۴۷ معاهده ناظر بر عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) ناگزیر شد، چارچوب و اصولی برای تحریمهای اقتصادی وضع کند. بر این اساس در سال ۲۰۰۴ میلادی، این اتحادیه پیش نویسی، حاوی اصول اساسی در مورد استفاده از تحریمهای اقتصادی تدوین کرد.^۱ بنابر برخی از مقررات این پیش نویس، تحریم باید در چارچوب منشور باشد (Council of the European Union, 2004, p.1. art.1).

این تحریمها بایستی مشروط به مطابقت کامل با الزامات حقوق بین الملل وضع و اعمال شوند (Ibid, p.2. art.4). اتحادیه همچنین در مجموعه قوانین خود بر به کارگیری تحریم هوشمند (Smart Sanction) هدف دار (Targeted Sanction) تأکید کرده است. در این مقررات به هدفمند و متناسب بودن تحریمها و عدم آسیب به اقشار غیر نظامی و آسیب پذیر اشاره شده است (Ibid p.3. art.7).

از طرف دیگر در رویه قضایی اتحادیه اروپا نیز، این اتحادیه ملزم به اجرای قوانین خود، در راستای قطعنامه های شورای امنیت و منشور ملل متحد می باشد. دیوان دادگستری اروپا در قضیه «سنتروکوم»، قضیه ای که در آن اتحادیه اروپا تدابیری را بر اساس قطعنامه های شورای امنیت اتخاذ کرده بود، این چنین رای داد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا تنها مجاز هستند تدابیری را انجام دهند، که اتخاذ آن تدابیر برای اجرای قطعنامه های

1-Council of the European Union, "Basic Principles on the Use of Restrictive Measures (Sanctions)" 10198/1/04 REV 1, PESC 450, Brussels, 7 June 2004.

شورای امنیت لازم و ضروری باشد (ECJ, 1997, p. I-00081). مقصود دیوان بر این بود است که فراتر از آن، دولتها حق اعمال تحریمها را ندارند. همچنین، دیوان دادگستری اروپا در قضیه «کادی» در سوم سپتامبر ۲۰۰۸، مقررات شورای اتحادیه اروپا را که بر اساس آن اتحادیه اروپا مبادرت به انسداد داراییهای آقای کادی و مؤسسه البرکات در راستای اجرای قطعنامه های شورای امنیت در مبارزه با تروریسم کرده بود را ابطال نمود. دیوان دادگستری اروپا در این قضیه حکم نمود که «مقررات مصوب شورای اتحادیه اروپا، حقوق اساسی این افراد را، بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از جمله حق بر دادرسی عادلانه و حق بر اموال (حق مالکیت) نقض نموده است. این اقدامات اتحادیه بر خلاف اصول منشور ملل متحد می باشد» (ECR, 2005, paras. 367-376).

به نظر می رسد اتحادیه از دقت در این ملاحظات و مقرراتی که خود وضع نموده است غافل شده و در تحریم علیه ایران به این مقررات عمل ننموده است. زیرا صرف نظر از مشکلات اقتصادی که گریبانگیر خود کشورهای اروپایی در نتیجه این تحریم نفتی شده است، این تحریم، آثار نامطلوبی نیز بر امنیت انرژی ایران به همراه داشته است. اتحادیه اروپا تا قبل از اعمال تحریم، حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز نفت از ایران خریداری می کرد که چیزی معادل یک چهارم صادرات نفت ایران می باشد (Katzman, 2012, P.38-39). با اعمال این تحریم میزان تولید نفت ایران از ۴ میلیون بشکه در روز به ۲.۵ میلیون بشکه در روز تنزل پیدا کرده و در نتیجه تقاضای نفت این کشور به شدت کاهش پیدا کرده است. زیرا ایران درصد بسیاری از بودجه خود را از طریق فروش نفت تأمین می کند و با کاهش تولید ناشی از این تحریم، به طور حتم این کشور با کسری بودجه مواجه خواهد شد (Ibid, p.53). رامین مهمان پرست سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز در واکنش به اعمال تحریم نفتی اتحادیه اروپا اظهار داشت «اتحادیه اروپا با تداوم رویکرد فشار از طریق تحریم نفت، عملاً امنیت انرژی ایران و تعادل بازار جهانی انرژی را در سطح بین المللی

تهدید کرده است. وی تحریم نفت اتحادیه اروپا را فاقد مشروعیت و مغایر قوانین بین‌المللی دانست» (<http://khabarfarsi.com.1391/04/12>).

لیکن با تأسف، زبان این آمار و شواهد و مستندات، گویای آن است که در تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، بسیاری از این معیارها از جمله الزامات حقوق بین‌الملل، تطابق با اصول و قواعد منشور، پرهیز از نتایج منفی حقوق بشردوستانه برای مردم عادی در قطعنامه اخیر صادره علیه ایران نادیده گرفته شده است و به همین دلیل حتی در چارچوب حقوق اتحادیه اروپا، تحریم اتحادیه اروپا نامشروع ارزیابی می‌گردد.

بند دوم- اتحادیه اروپا و نقض مقررات سیاست و امنیت خارجی مشترک اتحادیه اروپا (CFSP)

اتحادیه اروپا، در چارچوب اهداف تعیین شده در مقررات سیاست امنیتی و خارجی مشترک اتحادیه و در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، علیه ایران دست به تحریم اقتصادی زد. اولین اقدام اتحادیه اروپا در راستای اجرای قطعنامه ۱۹۲۹، قطعنامه شورای وزیران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ بوده است. اتحادیه اروپا هدف از این قطعنامه را تنها اجرای مفاد قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و به خصوص مقدمه آن، که پیشتر بدان اشاره شد، اعلام داشت. شورای وزیران در این قطعنامه مقرر داشت که «کشورهای عضو اتحادیه اروپا بایستی از فروش، عرضه و انتقال تجهیزات کلیدی و تکنولوژی و کمک‌های مالی و فنی مربوطه که ممکن است در صنایع نفت و گاز این کشور مورد استفاده قرار گیرند، خودداری کنند. همچنین کشورهای عضو بایستی از سرمایه‌گذاری‌های جدید در این صنایع در ایران نیز خودداری کنند» (EU Council Decision 2010/413/CFSP of 26 (July 2010).

در این قطعنامه، شورای وزیران، خرید نفت و گاز را از ایران مورد تحریم قرار نداده است (Dupont, op.cit, p.18)، زیرا شورا در قطعنامه بعدی خود در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۰ مقرر

داشت که «هیچ گونه مقررہ ای در خصوص تحریم خرید نفت از ایران وجود ندارد و اینکه تحریمهای اتحادیه اروپا نبایستی خرید یا صدور نفت و گاز از ایران و به ایران را مورد تاثیر قرار دهد (Council Regulation EU No 961/2010 of 25 October 2010). شورای وزیران اتحادیه اروپا با اقدام جدید و اخیر خود در سال ۲۰۱۲ در تحریم خرید نفت از ایران مقررہ قبلی خود در سال ۲۰۱۰ را نقض نموده است. در نتیجه این اقدام اتحادیه اروپا غیر قانونی و نقض مقررات سال ۲۰۱۰ شورای اتحادیه اروپا می باشد (Dupont, op.cit.p.19).

از طرف دیگر اتحادیه اروپا و دول عضو آن، تعهدات بین المللی خود را با ایران که در خصوص نفت و محصولات پترو شیمی دارا می باشند را نقض نموده است، زیرا کشورهای عضو اتحادیه اروپا موافقت نامه های متعددی در زمینه های مختلف انرژی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی دو کشور به تصویب رسیده و لازم الرعایه هستند. به طور مثال، موافقت نامه «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری متقابل» از جمله موافقت نامه دو جانبه رایج بین کشورهای عضو اتحادیه از قبیل ایتالیا، آلمان، فرانسه و اتریش با ایران هستند که ایران نیز این موافقت نامه ها را با بسیاری از کشورها منعقد کرده است. تحریمهای اخیر وضع شده علیه ایران نقض یک جانبه این موافقت نامه ها تلقی می شود (Ibid.p.13).

نتیجه گیری

معنا و مفهوم قطعنامه های شورای امنیت به خصوص قطعنامه ۱۹۲۹ واضح و روشن است و نیازی به تفسیر این قطعنامه ها نمی باشد. این خود شورای امنیت یا کمیته تحریم است که از لحاظ قانونی این حق را دارد تا تصمیم گیرد که چه افراد و نهادهایی بایستی مورد تحریم شورای امنیت قرار گیرند. کشورها و سازمانهای بین المللی حق تفسیر این قطعنامه ها را به طور موسع و خودسرانه ندارند. تفسیر قطعنامه های شورای امنیت بایستی به

طور محدود و مضیق و با حسن نیت و در چهار چوب رژیم‌های تحریمی شورای امنیت و ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات باشد.

اقدام غیر قهری کشورها به طور انفرادی و یا جمعی در قالب اتحادیه اروپا، فراتر از آن چه که در قطعنامه های شورای امنیت مقرر شده است، غیر قانونی و در نقض مقررات منشور ملل متحد و هم چنین در نقض مقررات خود اتحادیه اروپا می باشد. آنها نمی توانند به تفسیر موسع از این قطعنامه ها به عنوان تفسیر مؤثر و کارآمد، جهت فشار برای تغییر رفتار سیاسی و توقف فعالیتهای هسته ای ایران، استناد کنند. لذا بایستی اختیار و صلاحیت تفسیر این قطعنامه ها از این کشورها گرفته شود، زیرا صلاحیت نامحدود شورای امنیت به خودی خود تا به امروز بر اعتبار حقوق بین الملل صدمه وارد نموده است، با دادن چنین صلاحیتی به کشورها و سازمانهای بین المللی، این بی اعتباری حقوق بین الملل دو چندان خواهد شد.

متأسفانه تا به امروز اقدامات یکجانبه کشورها و سازمانهای بین المللی که فراتر از اقدامات شورای امنیت صورت گرفته است،^۱ کم کم در حال تبدیل به یک رویه بین المللی است و این خطر در آینده وجود دارد که برای هر وضعیتی، کشورها فراتر از شورای امنیت که رکن اصلی سازمان ملل متحد و مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد اقدام کنند و مقررات بین المللی و به خصوص منشور ملل متحد را زیر پا گذارده و کشور مورد هدف تحریم را ناعادلانه مورد تهدیدات شدید سیاسی و اقتصادی قرار دهند. اکثر اقداماتی که کشورها و سازمانهای بین المللی در اجرای قطعنامه های شورای امنیت انجام داده اند یا فراتر از قطعنامه های این شورا بوده است و یا اینکه شورای امنیت وارد قضیه شده اما هیچ

۱- نمونه ای از این اقدامات که در گذشته صورت گرفته است عبارت است از: اقدامات متقابل آمریکا علیه چین و کره شمالی در سال ۱۹۵۰ در واکنش به تجاوز به کره جنوبی، اقدامات متقابل علیه آرژانتین توسط استرالیا، کانادا و کشورهای عضو جامعه اروپایی در واکنش به تجاوز به جزایر فالکلند در سال ۱۹۸۲، اقدام متقابل آمریکا علیه آفریقای جنوبی در واکنش به رژیم آپارتاید در سال ۱۹۸۶، اقدامات متقابل توسط آمریکا علیه سودان به جهت نقض فاحش حقوق بشر در سال ۱۹۹۷، اقدامات متقابل توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا علیه یوگسلاوی در واکنش به نقض فاحش حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ و اقدام متقابل ژاپن علیه کره شمالی در سال ۲۰۰۶ به دلیل انجام آزمایش موشکی توسط کره شمالی در دریای ژاپن.

گونه تحریمی علیه آن کشور تحمیل نکرده و این کشورها به طور خود سرانه علیه آن کشور تحریم اعمال کرده اند و حتی این اقدامات را پس از ورود شورای امنیت به قضیه نیز هم چنان ادامه داده و هیچ گونه مخالفتی نسبت به این اقدامات صورت نگرفته است. تلاش بین المللی کشورها به طور گروهی برای رسیدن به حفظ صلح و امنیت بین المللی، با انجام این اقدامات غیرقانونی بسیار کند خواهد شد و باعث می شود جامعه بین المللی در راه رسیدن به این هدف ناکام بماند. حرمت منشور به عنوان دستاورد عظیم همکاریهای بین المللی پس از دو جنگ جهانی، به عنوان سندی اساسی و ضامن حفظ صلح و امنیت بین المللی باید پاس داشته شود. از این رو بهتر آن است که شورای امنیت در قطعنامه های خود هنگامی که خود را وارد قضیه ای می کند، به ممنوعیت انجام اقدامات متقابل یکجانبه از سوی برخی از کشورها و سازمانها که فراتر از قطعنامه های شورای امنیت صورت می گیرد، اشاره کند و آنها را از انجام این اقدامات متقابل منع نماید.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- زمانی، سید قاسم - مظاهری، جمشید، (۱۳۹۰)، **تحریمهای هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟**، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۴.
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، **تحلیل قطعنامه های شورای امنیت در مبارزه علیه تروریسم بین المللی**، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل.

ب - لاتین

• کتاب

- 1- A Abass, "Regional Organizations and the Development of Collective Security :Beyond Chapter VIII of the UN Charter", Oxford: Hart Publishing, 2004.

- 2-Crawford, J., A. Pellet & S. Olleson, “**The Law of International Responsibility**” Oxford: Oxford University Press, 2010
- 3- Eeckhout, Piet “**EU External Relations Law**”, Oxford University Press, 2011.
- 4- Gowlland, Debbas, “**United Nations Sanctions and International Law**” The Hague: Kluwer Law International, 2001.

• مقالات

- 1- Burdeau, G.”**Les effets juridiques des résolutions du Conseil de sécurité sur les contrats privés**” in “United Nations Sanctions and International Law, Gowlland Debbas (Ed), The Hague: Kluwer Law International, 2001.
- 2-Calamita.N. Jansen “**Sanctions, Countermeasures, and the Iranian Nuclear Issue**” Vanderbilt Journal of transnational Law, Volume 42, Number 5, November 2009.
- 3-Dupont, Pierre-Emmanuel,” **Countermeasures and Collective Security: The Case of the EU Sanctions against Iran** “Journal of Conflict and Security Law, vol. 17, 2012. (Forthcoming)
- 4-Jochen, Frowein . “**Unilateral Interpretation of Security Council Resolutions: a Threat to Collective Security?** In *Völkerrecht – Menschenrechte Verfassungsfragen Deutschlands und Europas: Ausgewählte Schriften*, Jochen A .Frowein. (Eds), 2004.
- 5-Joyner, D H, „The Security Council as a Legal Hegemon”,**Georgetown Journal of International Law**, vol.43 ,2012.
- 6-Sicilianos, L. A., ‘**Countermeasures in Response to Grave Violations of Obligations Owed to the International Community**’, in:” *The Law of International Responsibility*” J. Crawford, A. Pellet & S. Olleson (Eds), Oxford: Oxford University Press, 2010.

7-Wood, Michael C., “**The Interpretation of Security Council Resolutions**”, Max Planck Yearbook of United Nations Law.vol.73, 1998.

• آرای قضایی

- 1- Cf. Mavrommatis Palestine Concessions (U.K. v. Greece), P.C.I.J. (ser.A) No. 3. 1924.
- 2- The Queen, ex parte Centro-Com Srl v. HM Treasury and Bank of England, ECJ, Case C-124/95, Judgment of ۱۴ January 1997.
- 3- Kadi v. Council and Commission, ECR II 3649, Case T-315/01, 2005, paras 367–376.

• اسناد و معاهدات

- 1- A. Pellet on the fourth report of the Special Rapporteur on State Responsibility (A/CN.4/444 and Add.1-3), 1992.
- 2- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001 (ARSIWA).
- 3- Council Regulation (EU) No 961/2010 of 25 October 2010 on restrictive measures against Iran.
- 4- Commentaries on the Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, ILC Yearbook II (2), 2001.
- 5- Council Regulation (EU) No 267/2012 of 23 March 2012 concerning restrictive measures against Iran.
- 6- EU Council Decision 2010/413/CFSP of 26 July 2010 concerning restrictive measures against Iran.
- 7- Security Council, Letter dated May 2, 2008 from Alejandro Wolff, Deputy Permanent Representative of the United States of America to the United Nations, to the Chairman of the Security Council Committee, Annex, p. 2, U.N. Doc .S/AC.50/2008/34 (May 13, 2008).

8- S.C. Res. 1803; S.C. Res. 1747; S.C. Res. 1737. S.C. Res. 1929.

9- Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU)

10-U.N. SCOR, 61st Sess., 5612th mtg. at 2, U.N. Doc. S/PV.5612.Dec. 23, 2006.

۵- وب سایت

1- <http://khabarfarsi.com/ext/2882351.1391/04/12>